

آثار تربیتی «فردی و اجتماعی» نماز در قرآن

r.tavakoli63@gmail.com

jamaloddin2003@yahoo.com

رسول توکلی / کارشناس ارشد تربیت دینی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

سیدجمال‌الدین سجادی / کارشناس ارشد تربیت دینی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۷/۰۹/۰۸

دریافت: ۹۷/۰۲/۱۶

چکیده

نماز، مهم‌ترین عبادت در اسلام است، و آثار تربیتی فراوانی از آن نشأت می‌گیرد. اثر تربیتی به هرگونه نقش‌پذیری درونی و بیرونی که انسان بر اساس جریان تربیت قبول می‌کند و او را در مسیر شکوفا شدن استعدادهای ذاتی و فطری‌اش هدایت می‌نماید، گفته می‌شود. این نوشتار آثار تربیتی نماز را در دو بُعد فردی و اجتماعی از منظر قرآن، به روش توصیفی - تحلیلی بررسی کرده است. آثار تربیتی نماز در بُعد فردی عبارتند از: آرامش و بهداشت روان، پیشگیری از افسردگی، پیشگیری از بیماری‌های اخلاقی، غفلت‌زدایی، پرورش فضائل اخلاقی، و تکامل معنوی. آثار تربیتی در بُعد اجتماعی نیز عبارتند از: گسترش روحیه جمعی، ایجادکننده تصویر ایمانی، تنبیه‌کننده منافقان، و متمایزکننده منافق از مؤمن.

کلیدواژه‌ها: نماز، آثار تربیتی نماز، آثار فردی نماز، آثار اجتماعی نماز.

مقدمه

شده که در آن بیان می‌کند: نماز به عنوان بزرگ‌ترین فریضه دینی، انسان را از غفلت‌رهایی می‌بخشد و او را در مسیر صحیح زندگی قرار می‌دهد. نماز نقش مهمی در اصلاح افکار، احوال و رفتار انسان دارد. ... نماز چکیده ارزش‌های دینی است و می‌تواند در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی تأثیر گذاشته و فرهنگ‌سازی کند، و نمازگزاران را در هماهنگی بیشتر میان مسائل و مؤلفه‌های فرهنگی کمک کند. در این پژوهش با توجه به ادکار و افعال نماز آثار مختلفی را برای نماز نتیجه می‌گیرند (فتحی و نوری‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۰-۳۱).

در پژوهش دیگری جایگاه نماز در فرایند تربیت مورد دقت قرار گرفته شده است. با بررسی ابعاد مختلف نماز، این نتیجه گرفته شده که چون نماز، روزانه در چند نوبت انجام می‌شود، فرد نمازگزار با ذکر خدا و با رعایت شرایطی که برای اجابت آن لازم است، زمینه‌های تربیت فردی و اجتماعی خود را مهیا می‌سازد. نماز، هم تربیت فرد و هم تربیت جامعه را در فرایند صحیح قرار می‌دهد (فخرایی، ۱۳۷۵، ص ۶۰).

در تحقیق دیگری به پیام‌های تربیتی نماز اول وقت از منظر قرآن پرداخته شده است. این پژوهش درک آثار معنوی نماز را بر رعایت کردن آداب و شرایط آن مترتب می‌داند که یکی از مهم‌ترین آنها، اقامه نماز اول وقت است. نقش اقامه نماز اول وقت را در تمرین نظم و مدیریت زمان بی‌بدیل می‌داند و معتقد است که زمان‌سنجی از آثار اقامه نماز اول وقت است؛ و این اثر تربیتی، در موفقیت انسان نقش مهمی ایفا می‌کند (موسوی و شمس‌الدینی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۷).

پژوهش‌های مختلف دیگری نیز در این زمینه، یا آثار نماز را به صورت کلی بررسی کرده‌اند، و یا آثار تربیتی نماز در قرآن را با توجه به شرایط خاصی مثل اول وقت بودن، لحاظ کرده‌اند.

این نوشتار، به دنبال برشمردن آثار تربیتی نماز است. برای شمارش آثار تربیتی نماز می‌توان منابع مختلفی را بررسی کرد، اما این تحقیق فقط قرآن را منبع قرار داده است و با روش تحلیل محتوا به آثار تربیتی نماز در قرآن توجه می‌کند که در آیات قرآن چه آثار تربیتی برای نماز در دو بعد فردی و اجتماعی ذکر شده است؟

آثار تربیتی نماز

برای آثار تربیتی نماز تقسیم‌بندی‌های زیادی می‌توان تصور کرد. این

نماز از مهم‌ترین فرایض دینی و از ضروریات دین مقدس اسلام و نقطه اوج عبادات است که از درخشندگی، برجستگی خاص، و رفیع‌ترین جایگاه برخوردار است. پس از بعثت، نخستین عبادتی که تشریح شد، نماز بود که عمود دین و مرز کفر و ایمان است، و بدون آن سایر اعمال انسان پذیرفته نیست. «أَوَّلَ مَا يُخَاسَبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَإِنْ صَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ صَحَّتْ لَهُ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۰، ص ۲۰). از میان عبادات اسلامی نماز در بین احکام نمونه است، به گونه‌ای که ۴۰۰۰ حکم برای آن آمده است. کلمه صلاة و مشتقات آن به معنای نماز، حدود ۱۰۴ بار در قرآن کریم آمده و در ۱۵ مورد، به آن امر شده که در اغلب موارد به صورت جمع به کار برده شده است.

یکی از دلایل تأکید زیاد بر نماز در متون دینی، به دلیل نقشی است که در تربیت انسان ایفا می‌کند. تربیت، به رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهاى انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود، گفته می‌شود (دلشادتهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲۴). طبق تعریف بالا می‌توان اثر تربیتی را این‌گونه تعریف کرد: «هرگونه نقش‌پذیری درونی و بیرونی یا ظاهری و باطنی که انسان بر اساس جریان تربیت قبول می‌کند، و این امر او را در مسیر شکوفا شدن استعدادهاى ذاتی و فطری‌اش هدایت می‌نماید» (دانشور، ۱۳۸۱، ص ۳۳). آثار تربیتی فردی نیز به آثاری گفته می‌شود که ساحت فردی شخص، بدون در نظر گرفتن روابط اجتماعی او، رشد می‌پذیرد. آثار تربیتی - اجتماعی نیز به بعد اجتماعی مربوط می‌شود؛ بعدی که در ارتباط با دوستان، خویشاوندان، و حتی افراد غریبه، ظهور پیدا می‌کند.

پژوهش‌های بسیاری در مورد نماز صورت گرفته که هر کدام از دریچه نگاه خاصی به این عبادت پرداخته‌اند. برخی، بعد از بررسی ابعاد مختلف در نماز، مانند: راه‌کارهای توجه قلبی به خداوند در نماز، سازوکارهای تحصیل اخلاص، و قصد قربت در نماز، نماز مقبول و آثار آن را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. آثاری که برای نماز مقبول بیان می‌کنند عبارت است: از درخشش چهره، برطرف شدن تاریکی از زندگی، بردباری در برابر نادانی‌ها، حفاظت به وسیله فرشتگان، اجابت خواسته‌ها، و شادابی و طراوت (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸-۱۷۱).

در پژوهش دیگری جایگاه نماز را در مهندسی فرهنگی بررسی

برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید) و هم به اعتباری دیگر امری است که ذکر بر آن مترتب می‌شود، ترتب غایت بر صاحب غایت، یعنی نتیجه نماز یاد خداست، همچنان که آیه «وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴) (نماز را برای یاد من به پادار) به آن اشاره می‌کند و ذکر می‌کند که گفتیم، غایت و نتیجه نماز است، ذکر قلبی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۰۳).

انسان همواره در تمامی دوره‌های زندگی، متناسب با رشد روانی - فکری و اجتماعی‌اش با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو بوده است. بنابراین، وجود متخصصان برجسته برای مقابله و مواجه با پدیده‌های متعدد و متنوع محیطی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد؛ و چه کسی بهتر از خالق انسان و بالتبع جانشینان او در زمین، با دستورات و برنامه‌های خود می‌تواند انسان را در این مسیر راهنمایی و هدایت کند؟ (مه‌ری، ۱۳۸۱، ص ۳۶).

- تأثیر نماز بر پیشگیری از افسردگی

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا» (اسراء: ۷۹)؛ و پاسی از شب را بیدار باش و تهجد و عبادت کن، و این وظیفه‌ای افزون برای توست، باشد که پروردگارت تو را به مقامی محمود و پسندیده برانگیزد.

افسردگی، حالتی احساسی است که مشخصه‌اش اندوه، بی‌احساسی، بدبینی و احساس تنهایی است. تحقیقات نشان می‌دهد ۷۵ درصد از بیماران افسرده، مشکل خواب دارند (چه به صورت بی‌خوابی و چه پرخوابی) و همچنین علایم این بیماران در هنگام صبح شدید می‌شود. یکی از مشکلات مهم بیماران افسرده، افزایش یافتن طول خواب و خواب دیدن زیاد است؛ و قسمت اعظم خواب، در ساعات نزدیک به صبح به وقوع می‌پیوندد. از این جهت، یک مبنای مهم در تولید داروهای ضدافسردگی، تولید داروهایی است که کاهش‌دهنده مراحل خواب باشد؛ که نماز صبح سبب کاهش قابل توجه میزان خواب در اشخاص می‌شود؛ زیرا شخص نمازگزار که خود را ملزم به اقامه نماز صبح می‌داند جلوی ورود به مرحله قابل توجهی از خواب را می‌گیرد، در حقیقت، مقدار قابل توجهی از خواب صبحگاهی خود کم می‌کند.

«هجو» به معنای خوابیدن است، و «تهجد»، به معنای برطرف کردن خواب با عبادت می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۰۴-۱۰۵). نماز شب از نمازهای بسیار بافضیلت است، و در

تحقیق با توجه به ابعاد ارتباطی انسان که گاهی ارتباط شخصی فرد لحاظ می‌شود و گاهی ارتباط فرد با دیگران به دو بُعد فردی و اجتماعی آثار تربیتی نماز پرداخته است.

الف. آثار تربیتی نماز در بعد فردی

آثار تربیتی نماز در بُعد فردی به آثاری گفته می‌شود که ساحت فردی شخص، بدون در نظر گرفتن روابط اجتماعی او، رشد می‌پذیرد. به عبارت دیگر، آنچه مربوط به شخصیت، روحیات و رفتار فردی انسان مربوط می‌شود، بُعد فردی نام دارد.

- نقش نماز و عبادت در آرامش و بهداشت روانی

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

«ذکر» همان‌گونه که راعب اصفهانی در «مفردات» گفته است، گاهی به معنی حفظ مطالب و معارف آمده است؛ با این تفاوت که کلمه «حفظ» به آغاز آن گفته افزوده می‌شود؛ و گاهی به معنی یادآوری چیزی به زبان، یا به قلب است. لذا گفته‌اند ذکر دو گونه است: «ذکر قلبی» و «ذکر زبانی» و هریک از آنها دو گونه است: یا پس از فراموشی است، و یا بدون فراموشی (راعب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۱).

به هر حال، منظور آیه فوق از ذکر خدا که مایه آرامش دل‌هاست، تنها این نیست که نام او را بر زبان آورد و مکرر تسبیح و تهلیل و تکبیر گفت، بلکه منظور آن است که با تمام قلب متوجه او و عظمتش و علم و آگاهی‌اش و حاضر و ناظر بودنش گردد. این توجه، مبدأ حرکت و فعالیت در وجود او به سوی جهاد و تلاش و نیکی‌ها گردد و میان او و گناه، سد مستحکمی ایجاد کند، این است حقیقت «ذکر»، که آن‌همه آثار و برکات در روایات اسلامی برای آن بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۱۵-۲۱۶).

اگر نماز را ذکر نامیده‌اند، برای این است که نماز هم مشتمل است بر ذکر زبانی، اعم از: تهلیل، و حمد، و تسبیح، است؛ و هم به اعتباری دیگر، مصداقی است از مصادیق ذکر؛ زیرا مجموعه آن، عبودیت بنده خدا را مجسم می‌سازد، و لذا خدای تعالی نماز را ذکر الله نامیده و فرموده است: «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» (جمعه: ۹) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که

سوره‌های «مزملی و «مدثر» آمده است: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً» (مزمل: ۲). در روایات بیش از ۳۰ فضیلت برای نماز شب برشمرده شده است که به برخی از فضایل آن اشاره می‌شود:

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: پنج چیز دل را روشن می‌کند: ۱. زیاد خواندن سوره توحید؛ ۲. کم خوردن؛ ۳. همنشینی با علما؛ ۴. خواندن نماز شب؛ ۵. رفتن به مساجد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹).

امام صادق ﷺ می‌فرماید: شرف مؤمن، به خواندن نماز شب است و عزتش، به آزار ندادن و اذیت نکردن مردم (متقی هندی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۷۸۲).

– پیشگیری از بیماری‌های اخلاقی

«أَنْتَلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت: ۴۵)؛ آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید.

اغلب بیماری‌های اخلاقی، مانند: غرور و تکبر، ریشه در وجود انسان و تمایلات و هواهای انسانی دارد، و انسان آمادگی و زمینه برای مبتلا شدن به این نوع بیماری‌ها را دارد. تنها عاملی که می‌تواند از این آمادگی‌های موجود در عمق جان انسان، بهترین استفاده را در اختیار خود بشر قرار دهد و روح و روانش را از فشارهای خطرناک کبر، غرور و... نجات دهد، تسلط بر نفس است. همان‌گونه که می‌دانیم شرط قبول نماز خشوع و حضور قلب است؛ که این امر از آمادگی‌ها و مقدمات نماز، تا گفتن تکبیرة الاحرام و دیگر اجزاء نماز، با توجه به اذکار هر قسمت، مشهود است؛ مانند اینکه خدا را به بزرگی و پرورگار عالمیان بودن، می‌خوانیم و به صمدیت او اعتراف کرده، و در برابر او سجده می‌کنیم، و به عین نیازمند بودن خودمان اعتراف می‌کنیم؛ که نتیجه آن خشوع و خضوع در برابر خداوند است. در تفاوت میان فحشا و منکر که در آیه ذکر شده، می‌توان گفت: «

فحشاء» اشاره به گناهان بزرگ پنهانی، دارد و «منکر» گناهان بزرگ آشکار است؛ و یا فحشاء گناهانی است که بر اثر غلبه قوای شهویه، و منکر بر اثر غلبه قوه غضبیه صورت می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۴).

علامه طباطبائی، در تفسیر این آیه می‌فرماید: «سیاق آیات شاهد بر این است که، مراد از این بازداری، بازداری طبیعت نماز از فحشاء و منکر است؛ البته بازداری آن به نحو اقتضا است، نه علیت

تامه؛ که هر کس نماز خواند، دیگر نتواند گناه کند. خواهی گفت چه طور نماز از فحشاء و منکرات نهی می‌کند؟ در جواب می‌گوییم این عمل مخصوصاً که بنده خدا آن را در هر روز پنج بار به جا بیاورد، و همه عمر ادامه دهد، و مخصوصاً اگر آن را همه روزه در جامعه‌ای صالح به جا بیاورد، و افراد آن جامعه نیز مانند او همه روزه به جایآورند، و مثل او نسبت به آن اهتمام بورزند، طبعاً با گناهان کبیره سازش ندارد. آری، توجه به خدا از در بندگی، آنهم در چنین محیطی و از چنین افرادی، طبیعتاً باید انسان را از هر معصیت کبیره‌ای و هرگونه عملی که ذوق دینی، آن را شنیع می‌داند، از قبیل: قتل نفس، تجاوز به جان‌ها، و به مال ایتم، زنا، و لواط، باز بدارد، بلکه نه تنها از ارتکاب آنها، بلکه حتی از تلقین آن نیز جلوگیری کند.

برای اینکه نماز مشتمل است بر ذکر خدا، و این ذکر، اولاً، ایمان به وحدانیت خدای تعالی، و رسالت و جزای روز قیامت را به نمازگزار تلقین می‌کند؛ و به او می‌گوید که خدای خود را با اخلاص در عبادت مخاطب قرار داده و از او استعانت بنما، و درخواست کن که تو را به سوی صراط مستقیم هدایت نموده، و از ضلالت و غضبش به او پناه ببرد؛ و ثانیاً، او را وادار می‌کند بر اینکه با روح و بدن خود متوجه ساحت عظمت و کبریایی خدا شده، پروردگار خود را با حمد و ثنا و تسبیح و تکبیر یاد آورد، و در آخر بر خود و هم‌مسلمانان خود و بر همه بندگان صالح سلام بفرستد. علاوه بر این، او را وادار می‌کند به اینکه از «حدث»، که نوعی آلودگی روحی است، و از «خبث»؛ یعنی آلودگی بدن و جامه، خود را پاک کند؛ و نیز از اینکه لباس و مکان نمازش غصبی باشد، بپرهیزد، و رو به سوی خانه پروردگارش بایستد. پس اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند، و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، این ادامه، در مدتی کوتاه به طور مسلم، باعث می‌شود که ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در او پیدا شود؛ به گونه‌ای که اگر فرضاً آدمی، شخصی را موکل بر خود کند، که دائماً ناظر بر احوالش باشد، و او را آنچنان تربیت کند که این ملکه در او پیدا شود و به زور ادب عبودیت آراسته گردد، قطعاً تربیت او مؤثرتر از تربیت نماز نیست، و به بیش از آنچه که نماز او را دستور می‌دهد، دستور نخواهد داد، و به بیش از آن مقدار که نماز به ریاضت وادارش می‌کند، وادار نخواهد کرد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۹۸-۱۹۹).

هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است، نهی از فحشاء و منکر می‌کند؛ گاه نهی کلی و جامع،

می‌دانیم که ایمان و تقوا نیرومندترین سد در برابر گناه است. در آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت: ۴۵)» نیز که نماز به عنوان نهی از فحشاء و منکر بیان شده است، بر این مطلب دلالت دارد.

— غفلت‌زدایی نماز

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (اسراء: ۷۸)؛ نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار و [نیز] نماز صبح را؛ زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است.

نماز، غفلت‌زداست. بزرگ‌ترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی و لذایذ زودگذر گردند. نماز چون در فواصل مختلف شبانه‌روز، پنج بار اقامه می‌شود، مرتباً به انسان هشدار می‌دهد؛ هدف آفرینش او را خاطر نشان می‌سازد، و موقعیت او را در جهان به او گوشزد می‌کند. این نعمت بزرگی است که انسان وسیله‌ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه‌روز چند مرتبه قویاً به او بیدارباش بگوید.

نماز خودبینی و کبر را درهم می‌شکند؛ چراکه انسان، در هر شبانه‌روز هفده رکعت، و در هر رکعت دو بار، در برابر خدا پیشانی بر خاک می‌گذارد؛ خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می‌بیند، پرده‌های غرور و خودخواهی را کنار می‌زند، و تکبر و برتری‌جویی را درهم می‌کوبد. به همین سبب، امیرمؤمنان علیؓ در حدیث معروفی که فلسفه عبادات در آن منعکس شده است، بعد از ایمان، نخستین عبادت راه، که نماز است، با همین هدف تبیین می‌کند: «فَرَضَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ الْإِيمَانُ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ، وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ...» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۸)؛ خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان‌ها از شرک واجب کرده و نماز را برای پاکسازی از کبر.

— نماز وسیله پرورش فضایل اخلاقی و تکامل انسان

نماز وسیله پرورش فضایل اخلاق و تکامل معنوی انسان است، و انسان را از جهان محدود مادی و چهار دیواری عالم طبیعت بیرون می‌برد و به ملکوت آسمان‌ها دعوت می‌کند، و با فرشتگان هم‌صدا و همراز می‌سازد. انسان به واسطه نماز، خود را بدون نیاز به هیچ واسطه‌ای در برابر خدا می‌بیند، و با او به گفت‌وگو می‌پردازد، و با تکرار این عمل در شبانه‌روز، آن هم با توجه به صفات خدا، رحمانیت

و گاه نهی جزئی و محدود. امکان ندارد که کسی نماز بخواند و هیچ‌گونه اثری در او نبخشد؛ هرچند نمازش صوری باشد، و هرچند آلوده به گناه باشد. البته این‌گونه نماز، تأثیرش اندک است، چنین افرادی، اگر همان نماز را هم نمی‌خواندند از این آلوده‌تر بودند. بنابراین، نهی از فحشاء و منکر سلسله‌مراتب و درجات زیادی دارد، و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط، دارای بعضی از این درجات است. در دنباله آیه اضافه می‌فرماید: ذکر خدا از آن هم برتر و بالاتر است.

ظاهر جمله فوق بیانگر فلسفه مهم‌تری برای نماز است؛ یعنی یکی دیگر از آثار و برکات مهم نماز، که حتی از نهی از فحشاء و منکر نیز مهم‌تر است، آن است که انسان را به یاد خدا می‌اندازد؛ که ریشه و مایه اصلی هر خیر و سعادت است؛ و حتی عامل اصلی نهی از فحشاء و منکر نیز همین ذکر الله است. در واقع، برتری آن بدین سبب است که علت و ریشه محسوب می‌شود. اصولاً یاد خدا، مایه حیات قلوب، و آرامش دل‌هاست و هیچ چیز به پایه آن نمی‌رسد.

روح همه عبادات، چه نماز و چه غیر آن، ذکر خداست، اذکار نماز، افعال نماز، مقدمات نماز، تعقیبات نماز، همه و همه، یاد خدا را در دل انسان زنده می‌کند. در آیه ۱۴ سوره «طه» نیز اشاره به این فلسفه اساسی نماز شده، و خطاب به حضرت موسی می‌گوید: «نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی». به‌هرحال، گرچه نماز چیزی نیست که فلسفه‌اش بر کسی مخفی باشد، ولی دقت در متون آیات و روایات اسلامی، ما را به نکات دقیق بیشتری در این زمینه رهنمون می‌کند.

نماز وسیله شست‌وشو از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است؛ زیرا خواه ناخواه، انسان را دعوت به توبه و اصلاح گذشته می‌کند. در حدیثی از پیامبر اکرمؐ آمده است که آن حضرت از یکی از یاران خود پرسیدند: اگر بر در خانه یکی از شما نه‌ری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شست‌وشو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن او می‌ماند؟ در پاسخ عرض کردند: نه، فرمودند: نماز درست همانند این آب جاری است، هر زمان که انسان نمازی می‌خواند گناهی که در میان دو نماز انجام شده است از میان می‌رود و به این ترتیب جراحاتی که بر روح و جان انسان از گناه می‌نشیند، با مرهم نماز التیام می‌یابد و زنگارهایی که بر قلب می‌نشیند زوده می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۲).

نماز سدی در برابر گناهان آینده است؛ زیرا روح ایمان را در انسان تقویت می‌کند، و نهال تقوا را در دل، پرورش می‌دهد، و

نوبت در شبانه‌روز، دعوتی است به رعایت حقوق دیگران. نماز علاوه بر شرایط صحت، شرایط قبول یا به تعبیر دیگر، شرط کمال هم دارد که رعایت آن نیز، عامل مؤثر دیگری برای ترک بسیاری از گناهان است. در کتب فقهی و منابع حدیث، امور زیادی به عنوان موانع قبول نماز ذکر شده که از جمله آنها، مسئله شرب خمر است، که در روایات آمده است: «لَا تُقْبَلُ صَلَاةُ شَارِبِ الْمُسْكَرِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا أَنْ يُتُوبَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳ ص ۴۸۸). در روایات متعددی ذکر شده که از جمله کسانی که نماز آنها قبول نخواهد شد، پیشوای ستمگر است. در بعضی از روایات دیگر تصریح شده که نماز کسی که زکات نمی‌پردازد قبول نخواهد شد. همچنین برخی روایات خوردن غذای حرام یا عجب و خودبینی را از موانع قبول نماز برشمرده‌اند. روشن است که فراهم کردن این شرایط، تا چه حد سازنده است.

نماز روح انضباط را در انسان تقویت می‌کند، چون دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد و تاخیر و تقدم آن، هر دو موجب بطلان نماز است. همچنین، آداب و احکام دیگری در مورد نیت و قیام و قعود و رکوع و سجود و مانند آن وجود دارد که رعایت آنها، پذیرش انضباط را در برنامه‌های زندگی انسان، کاملاً آسان می‌کند.

– نماز ایجادکننده تصویر ایمانی

نماز غیر از آثار نهانی که در روح فرد ایجاد می‌کند، آثار آشکاری نیز در ظاهر نمازگزار ایجاد می‌کند که بازتاب بیرونی دارد. آثار بیرونی در منظر افراد دیگر قرار دارد و هر کس به سهمی از این آثار بیرونی بهره‌مند می‌شود.

در آیه آخر سوره «فتح» در برشمردن صفات همراهان پیامبر ﷺ که تربیت‌شدگان اسلام هستند یک علامت را برای آنها بیان می‌کند و آن اینکه در سیمای آنها در اثر زیادی سجده اثری نمایان است. سجده آنان برای خدا به عنوان تذلل و تخشع برای اوست و این سجده در چهره آنان اثری گذاشته، و آن اثر سیمای خشوع برای خداست، که هر کس ایشان را ببیند با آن سیما ایشان را می‌شناسد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۴۷).

برای شناختن افراد متعالی در دامن تربیت پیامبر ﷺ این نشانه بیان شده و در کنار بقیه صفات این افراد تبلور ایمان را نشان می‌دهد. این نشانه از آثار کثرت نماز است و به خوبی گویای این

و رحیمیت و عظمت او، به‌ویژه با قرائت سوره‌های مختلف قرآن بعد از حمد، که بهترین دعوت‌کننده به سوی نیکی‌ها و پاکی‌هاست، تأثیر قابل ملاحظه‌ای از برکات نماز را در وجود خویش احساس می‌کند. به همین سبب است که امیرمؤمنان علیؑ در خصوص فلسفه نماز می‌فرماید: «الصلوة قربان کلی تقی» (عروسی حویزی، ۱۱۱۲ق، ج ۴، ص ۲۰۵)؛ نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری به خداست.

نماز به سایر اعمال انسان ارزش و روح می‌دهد؛ نماز روح اخلاص را زنده می‌کند؛ زیرا نماز مجموعه‌ای است از: نیت خالص، گفتار پاک، و اعمال خالصانه. تکرار این مجموعه در شبانه‌روز، بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان می‌پاشد، و روح اخلاص را تقویت می‌کند. بنابراین، در حدیث معروفی از امیرمؤمنان علیؑ آمده است که ایشان در وصایای خود، بعد از آنکه فرق مبارکش با شمشیر ابن‌ملجم جنایتکار شکافته شد، فرمود: «اللّٰهُ اللهُ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا عَمُودٌ دِينِكُمْ»؛ خدا را خدا را در باره نماز، چراکه ستون دین شماست.

می‌دانیم هنگامی که عمود خیمه درهم بشکند یا سقوط کند، هر اندازه هم که طناب‌ها و میخ‌های اطراف محکم باشد، اثری ندارد. هنگامی که ارتباط بندگان با خدا از طریق نماز از میان برود، چون عمود دین آسیب دیده است، سایر اعمال نیز اثر خود را از دست خواهند داد. در حدیثی دیگر از امام صادقؑ آمده است: «أَوَّلُ مَا يُخَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قِيلَتْ قِيلَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ رُدَّتْ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۴) (نخستین چیزی که در قیامت از بندگان حساب می‌شود نماز است، اگر مقبول افتاد سایر اعمالشان قبول می‌شود، و اگر مردود شد سایر اعمال نیز مردود می‌شود)؛ شاید دلیل این سخن آن باشد که نماز رمز ارتباط خلق و خالق است، اگر به طور صحیح انجام گردد، قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سایر اعمال است در او زنده می‌شود، و گرنه، بقیه اعمال او مشوب و آلوده می‌گردد و از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

نماز قطع‌نظر از محتوای خودش با توجه به شرایط صحت، دعوت به پاکسازی زندگی می‌کند؛ زیرا می‌دانیم مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، فرش که بر آن نماز می‌خواند، آبی که با آن وضو می‌گیرد و غسل می‌کند، محلی که در آن غسل و وضو انجام می‌شود، باید از هرگونه غضب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد. کسی که آلوده به تجاوز و ظلم، ربا، غضب، کم‌فروشی، رشوه‌خواری و کسب اموال حرام باشد، چگونه می‌تواند مقدمات نماز را فراهم‌سازد؟ بنابراین، تکرار نماز در پنج

مطلب است که مؤمنان راستین از فاسقان با آثاری از نماز برای بقیه قابل شناخت هستند و ملاکی می‌شود که بتوان افراد را از هم تشخیص داد. البته باید توجه کرد این نیز یک نشانه است که می‌توان مورد سوءاستفاده افراد قرار گیرد.

بنابراین نماز حتی شمایل ظاهری نمازگزار را تغییر می‌دهد تصویر ظاهری نمازگزار در فضای جامعه یک الگوسازی را به دنبال دارد که خوبان جامعه با چهره‌های نمازگزار سبب تقویت روحیه ایمانی در کل جامعه می‌شوند.

خواندن نماز به صورت جمعی را داده است. نماز جماعت نیز مانند بقیه افعال جمعی آثار تربیتی زیادی دارد. برای افراد نمازگزار در جماعت این آثار را دارد که روحیه فعالیت جمعی دینی در آنها نهادینه می‌شود، روحیه وحدت و همدلی در بین آنها به وجود می‌آید و تقویت می‌شود.

نماز جماعت برای بقیه افراد جامعه نیز اثر تربیتی را به همراه دارد که آنها را تشویق می‌کند که به سمت جماعت دینی کشیده شوند و روح نماز و عبادت در جامعه فراگیر می‌شود.

ب. آثار تربیتی نماز در بعد اجتماعی

بعد اجتماعی به آن بعد انسانی گفته می‌شود که در ارتباط با دیگران تبلور پیدا می‌کند. انسان در اجتماع زندگی می‌کند و ناگزیر زندگی او غیر از بعد فردی، بعد اجتماعی هم خواهد داشت؛ بعدی که در ارتباط با دوستان، خویشاوندان، و حتی سایر افراد ظهور پیدا می‌کند.

– نماز و روحیه جمعی

فعالیت‌های جمعی، هم بر روی افراد جمع اثرات خاصی می‌گذارد، و هم بر روی افراد خارج از گروه تأثیرگذار است. اثرات تربیتی کار گروهی بر روی خود اعضای گروه این است که به آنها روحیه همکاری می‌دهد، استقامت افراد را بالا می‌برد، و روحیه تحمل کردن نظرات متفاوت را در آنها تقویت می‌کند. اثرات تربیتی فعالیت جمعی، برای افراد خارج از گروه نیز این است که سبب تشویق بیشتر دیگران به انجام آن فعالیت می‌شود، و آنها را برای پیوستن به گروه، ترغیب می‌کند.

در اسلام، برخی اعمال به هر دو صورت فردی و جمعی انجام می‌گیرد، که نماز یکی از آنهاست. غیر از روایاتی که بر انجام نماز به صورت جمعی و جماعت تأکید کرده‌اند و ثواب بیشتری را به آن اختصاص داده‌اند، در قرآن خداوند اینچنین می‌فرماید: «وَ أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ» (بقره: ۴۳). در این آیه غیر از دستور به برپا داشتن نماز دستور به رکوع کردن با بقیه رکوع‌کنندگان داده شده است. مراد از رکوع کردن همان نماز خواندن است و مفسران برای اینکه در بین افعال نماز رکوع ذکر شده است و جوهی را ذکر کرده‌اند، از جمله اینکه اولین جزئی در نماز که برای دیگران مشخص می‌شود رکوع است. رکوع کردن با بقیه رکوع‌کنندگان به معنای شرکت در جماعت است (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵۴). این آیه به خوبی دستور به حضور در جماعت و

– نماز جمعه فریضه‌ای جمعی

به سبب اهمیت بسیار زیاد امور جمعی، در اسلام فریضه‌ای به نام نماز جمعه، واجب شده است. خداوند در آیه ۹ سوره «جمعه» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این کار برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید)، منظور از «سعی به سوی ذکر خدا»، شتاب کردن به طرف نماز جمعه است. خداوند به مؤمنان خطاب می‌کند که با شنیدن اذان ظهر روز جمعه، به سوی نماز بشتابند و خرید و فروش را رها کنند.

تشریح نماز جمعه از جانب خداوند، و تأکید بر حضور در آن، تأثیر فراوان این واجب الهی را در امور فردی و اجتماعی نشان می‌دهد. مؤمنان با شرکت در نماز جمعه، روحیه ایمان و بیداری را به کل جامعه اسلامی تزریق می‌کنند.

– نماز در جنگ

در آیه ۱۰۲ سوره «نساء»، خداوند چگونگی خواندن نماز در هنگام جنگ را بیان می‌کند. برخی احکام نماز در کارزار جنگ، مانند: دو گروه شدن افراد، همراه داشتن سلاح در نماز و استثناء شدن برخی به خاطر مریضی، در این آیه بیان شده است.

اصل بیان این نماز، به غیر از روشن شدن احکام در بعد اجتماعی، گویای مطالب دیگری نیز هست، از جمله اینکه جامعه با تشریح نماز در هنگام جنگ و جهاد، به اهمیت اصل نماز به خوبی پی می‌برد؛ زیرا، در سخت‌ترین شرایط هم در این فریضه الهی،

کوچک‌ترین تزلزلی پیدا نمی‌شود و جنگیدن رزمندگان اسلام با دشمن نیز نباید موجب فراموشی نماز و یاد خدا بشود. همراه داشتن اسلحه در حال نماز جنگ، و جدا نکردن آن از خود، آمادگی همیشگی را برای مسلمانان گوشزد می‌کند که در بالاترین حالات روحی و معنوی نیز باید آماده دفاع بود.

– نماز، منشأ اطاعت و ولایت‌پذیری

اطاعت از خداوند متعال (اقامه نماز)، و فرمانبرداری از رسول اکرم ﷺ یک حقیقت واحدند؛ و به دلالت آیات متعددی از قرآن مجید، میان آن دو، دوگانگی و جدایی وجود ندارد؛ هرچند که در ادب گفتاری، اطاعت از خدا جدای از اطاعت از رسول او ذکر می‌شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹).

دلیل این ارتباط و عدم جدایی این دو، آن است که پیامبر ﷺ به عنوان مبلغ دین، جز بر وحی سخن نگفته، و چیزی از سوی خود به آن نیفزوده و یا از آن نکاسته است؛ و خداوند سخن و فرمان او را همانند سخن و فرمان خود می‌داند (سیدعلوی، ۱۳۷۷، ص ۴۵). دلیل سفارش به اطاعت به صورت جداگانه، به خاطر مبالغه در انجام فرمان و جلوگیری از برخی پندارهاسست تا کسی نپندارد که فرمانبرداری از پیامبر اکرم ﷺ ویژه دستوراتی است که در قرآن شریف آمده است؛ زیرا برخی مفسران معتقدند منظور این است که خدا را در انجام واجبات اطاعت کنید و پیامبر را در انجام مستحبات. ولی دیدگاه بهتر در این زمینه آن است که پیامبر را فرمان ببرید و این فرمانبرداری واجب است؛ زیرا آن حضرت با دو عنصر اساسی وحی و رسالت، و عصمت و معصومیت از لغزش و گناه، از سایرین ممتاز و متمایز شده است، و تصور اشتباه و دیگر آفات درباره او نمی‌رود (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۵۸-۱۵۹). به همین جهت، میان اقامه نماز، که رمز اطاعت از حق تعالی است، و اطاعت از رسول او ارتباط و پیوستگی وجود دارد؛ زیرا خداوند فرموده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (نور: ۵۶).

اصولاً، بر اساس اکثر آیات سوره «نور»، خداوند متعال می‌خواهد جماعت مسلمانان و مؤمنان، با آداب شوند؛ و اگر به چنان آدابی مؤدب گشتند، هیچ تجارت و داد و ستدی، ایشان را از یاد خدا و اقامه

نماز باز نداشته و مشغولشان نمی‌سازد؛ درحالی که منافق با تظاهر به اسلام، به بهانه‌های واهی از اطاعت رسول خدا ﷺ سرپیچی می‌کند و در هنگام قضاوت و داوری، آنجا که می‌داند حق با او نیست، به داوری رسول اکرم ﷺ رضایت نمی‌دهد (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۵۲). بدیهی است که نماز خواندن بدون تن دادن به حکومت، قضاوت و داوری رسول اکرم ﷺ بدون اطاعت از ایشان، مسلمانان و جامعه اسلامی را دچار اختلال می‌کند، و آنها را از مهر و محبت و رحم و رأفت لازم دور می‌گرداند (سیدعلوی، ۱۳۷۷، ص ۴۵). امام صادق ﷺ یکی از علل وجوب نماز را زنده نگه داشتن دین و آیین پیامبر می‌داند و می‌فرماید: «... و أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ لَا يُنْسِيَهُمْ أَمْرٌ مُحَمَّدٍ فَفَرَضَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةَ» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۱۷)؛ ... و خداوند تبارک و تعالی اراده کرد دین و آیین و امر محمد فراموش نشود و بدین جهت بر امتش نماز را فرض و واجب قرار داد.

از این روع فرمانبرداری از پیامبر ﷺ در همه عصرها و بر همه نسل‌ها واجب است و مردم موظفند هم در حیات ظاهری این بزرگوار، و هم پس از رحلت، آن حضرت را اطاعت کنند؛ زیرا دین او جاودانه و پاینده و رسالت او جهانی و همگانی است (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۵۹).

به دنبال اطاعت از پیامبر ﷺ اطاعت از ائمه اطهار ﷺ و در زمان غیبت اطاعت از ولی فقیه وجود دارد. لازمه ولایت پذیر بودن افراد، مطیع بودن آنها در برابر خداوند است؛ و از مصادیق کامل اطاعت خداوند، نماز خواندن در مقابل اوست. نماز، تمرین اطاعت و پذیرفتن ولایت خداوند است؛ و با این اطاعت، مسیر برای ولایت‌پذیری در برابر امام و حجت خدا، و در زمان غیبت، برای نائب او هموارتر است. جامعه و حکومت اسلامی نیز بدون پذیرش ولایت امام معصوم و جانشین او برپا نخواهد بود. پس نماز از طریق تقویت روحیه ولایت‌پذیری در جامعه، نقش مؤثری در برپایی حکومت خواهد داشت.

– نماز و وحدت

روح عبادت امری مجرد است، که اگر انسان در جای خلوتی هم باشد و به قول سعدی «سر به جیب مراقبت فرو برد» و خدا را یاد کند، آن روح برای او حاصل خواهد شد. واقعیت این است که عبادت ما، به هر طرف که بایستیم، چه به طرف مشرق و چه به طرف مغرب، شمال یا جنوب همه در محضر خداست؛ یعنی این طور نیست که اگر رو به کعبه ایستادیم، با خدا مواجهیم و در غیر این صورت، با

همچنین بیع، شراء، شهادت، و غیر آنها از حقوقی که بین مردم دایر است. اما عهد سه قسم است: اول، اوامر خدای تعالی؛ دوم، نذری که کرده و باید به آن وفا نماید؛ سوم، عقودی که بین مردم جاری است. برای انسان واجب است که به تمام اقسام امانات و عهود وفا کند؛ یعنی با هر کس هرگونه عهد بسته است بر طبق آن عمل نماید و خلاف آن را انجام ندهد (امین، ۱۳۶۱، ج ۱۴، ص ۱۰۷).

پس، نمازگزاران، آناند که امانت‌های خود را چه مالی و چه غیرمالی رعایت کرده و به تعهداتی که دارند، چه بین خود و خدا و چه بین خود و دیگران، پایبندند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱). در حقیقت، نماز مانند لباس پاک و نورانی است که بر قامت انسان پوشانده شده، و اجازه نمی‌دهد دامن سفید و پاک نمازگزار به نقض عهد الهی آلوده گردد.

– نماز تنبیه‌کننده منافقان

یکی از عوامل تربیتی که به‌کارگیری صحیح آن آثار زیادی بر روی فرد و جامعه می‌گذارد، تنبیه و مجازات است. قوانین قضایی و راهنمایی و رانندگی که در قبال هر جرمی جریمه‌ای برای افراد قرار داده است، به دنبال این است که با تنبیه و مجازات، از جرم جلوگیری کند، و سبب شود که کل افراد جامعه در سلامت زندگی کنند.

تنبیه و مجازات از یک سو، فرد خاطی را تربیت می‌کند، و از سوی دیگر برای دیگران سبب عبرت می‌شود. در امور معنوی و دین نیز، تنبیه و مجازات سبب تربیت صحیح فرد و جامعه می‌شود. یکی از ابزارهای که می‌تواند سبب تنبیه و هشدار جامعه شود، نماز است. خداوند در آیه زیر نماز نخواندن پیامبر ﷺ بر میت منافق را سبب تنبیه و تنبیه آنها قرار داده است، و می‌فرماید: «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ» (توبه: ۸۴). در این آیه خداوند، پیامبر خود را از نماز خواندن بر جسد افراد منافق بازداشته است. به پیامبر امر شده که بر سر قبر منافقان حاضر نشود. به خوبی می‌توان درک کرد که این عمل در آن جامعه کوچک صدر اسلام، برای سایر افراد جامعه تنبیه و هشدار است، که از عمل منافقانه دوری کنند و مسیر خود را از مسیر افراد منافق جدا کنند. همان‌طور که نماز خواندن بر یک مؤمن، تأییدی بر رفتار و مسیر زندگی او، و تشویقی برای بقیه مؤمنان است، و سایرین را به سبک زندگی ایمانی ترغیب می‌کند؛ نماز نخواندن پیامبر ﷺ نیز خط بطلانی است که بر اعمال منافقان کشیده می‌شود.

خدا مواجه نیستیم. اما اسلام به خاطر مصلحت تربیتی، از همه مردم خواسته است که در جهت خاصی به نام «قبله» نماز گزارند؛ و مسجدالحرام را قبله مسلمانان قرار داده است، تا روح وحدت و اتحاد و یک‌جهتی در اذهان و اعمال آنها ملکه گردد.

بنابراین، نمازگزار باید رو به قبله بایستد؛ یعنی در طول شبانه‌روز جهت و مسیر خودش را مشخص کند. این قبله ساده و پاک را نیز خداوند برای او تعیین کرده است، نه کس دیگر. پس هر مکان و جهتی، ارزش قبله شدن را ندارد؛ بنابراین، قبله، رمز شناسایی مسلمانان با هر سلیقه و تفکر و نژاد و رنگی، از دیگران می‌باشد. توضیح آنکه، وقتی کل جامعه مسلمان برای عبادت به یک سمت می‌ایستند، دو نکته مهم را دربر دارد: اولاً، روحیه همدلی در بین جامعه اسلامی افزایش می‌یابد، و ثانیاً، برای دشمنان اسلام این پیام را دارد که با این وحدت عمل مسلمانان، نفوذ در بین آنها کار سختی است؛ و باید ابتدا این وحدت را از بین برد، سپس از حربه نفوذ برای ضربه زدن به آنها استفاده کرد. متأسفانه استکبار جهانی با همین طرفند، امروز توانسته است مسلمانان را از قدرت تهی کند.

– تأثیر نماز بر وفای به عهد و پیمان

پرستش خدا و ترک پرستش غیر او، راه مستقیم و راستی می‌باشد که بقای بر آن، پیمانی است که بنده با خدا بسته است (راشدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۱۹). خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس: ۶۰-۶۱). انسان، در هر نماز، با همه وجود، پویایی راه صالحان و دوری و تبری جستن از مسیر گمراهان را از خداوند تبارک و تعالی خواسته و بر انجام عبادت و استعانت از او، این عهده الهی را پاسخ می‌گوید؛ و هر روز نیز این عهد و بیعت را تجدید کرده و یادآور می‌شود. بنابراین، چگونه ممکن است با گذشت زمانی اندک پس از آن، این پیمان را که با پروردگار هر دو جهان برقرار ساخته است، نقض نماید؟

به‌همین جهت، قرآن کریم در بیان خواص نماز و صفات نمازگزاران می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (معرج: ۳۲) (و آنانکه امانت و عهده و پیمان‌شان را رعایت کنند)، در تفسیر این آیه آمده است: امانت بر دو قسم است؛ امانات خدا و امانات بندگان خدا. امانات خدا اماناتی است که بین خدا و بندگان است؛ مثل: نماز، روزه، غسل و اقسام عبادت؛ و امانات مردم، مثل: مالی که ودیعه می‌گذارند، یا عاریه می‌دهند،

مطلب دیگری که می‌توان از این آیه نتیجه گرفته این است که نماز در بعد اجتماعی مرزی را برای افراد ایجاد می‌کند و خط ایمن را از سایر خطوط جدا می‌کند

– نماز متمایزکننده منافق از مؤمن

انسان همیشه در ارتباطاتش نگران است که با چه کسی باید ارتباط دوستی برقرار کند و با چه کسی همنشین نشود. انسان همواره به دنبال ملاک‌های اصیلی می‌گردد تا روابطش را جهت ببخشد. در فضای ایمانی نیز همیشه این نکته که همنشین انسان باید سبب تعالی او باشد نه مانع رشد کمالی او، مورد اهمیت بوده است.

یکی از آثار تربیتی نماز تفکیک کردن مرز افراد مؤمن از غیرمؤمن است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤُونَ النَّاسَ وَلا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء: ۱۴۲) (منافقان با خدا نیرنگ می‌کنند، درحالی‌که او فریب‌دهنده آنهاست (که نمی‌گذارد به راه حق برسند) علامت آنان این است که چون به نماز می‌ایستند با ملال می‌ایستند و چون در انظار مردم نماز می‌خوانند ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نکنند). این آیه می‌تواند برای مؤمنان راهنمای خوبی باشد که در ارتباط با دیگران تشخیص دهند آیا فردی که قصد ارتباط با او را دارند، از منافقان است یا از مؤمنان راستین. در این آیه نماز به عنوان وسیله‌ای برای شناخت منافقان قرار گرفته است؛ زیرا منافقان با بی‌میلی به نماز می‌ایستند و اگر هم نماز بخوانند، قصدشان ریا کردن در برابر مؤمنان است، و می‌خواهند خود را اهل نماز نشان دهند.

اینکه نماز ملاکی برای تشخیص افراد قرار داده شده، نشان‌دهنده اثر تربیتی است که می‌تواند بر روی مؤمنان داشته باشد تا در ارتباطات اجتماعی خود با دیگران، نماز را به عنوان ملاک ارتباط یا عدم ارتباط با افراد قرار دهند، و بعد از اطمینان از وجود داشتن این ملاک، با آنها ارتباط برقرار کنند.

نتیجه‌گیری

نماز به عنوان یکی از اعمال عبادی مهم در دین اسلام است که هر فرد مسلمان باید در شبانه‌روز حداقل هفده رکعت از آن را به جا آورد. این عمل عبادی به گونه‌ای است که هم می‌توان به صورت فردی و هم به صورت

جمعی آن را انجام داد. بنابراین از تأکیدیاتی که در قرآن و روایات بر این عمل مهم شده است، می‌توان فهمید که چه آثار زیادی، چه در جنبه فردی و چه در جنبه اجتماعی بر نماز مترتب است. در این میان، بهداشت روانی فرد و جامعه، رشد و پرورش فضایل اخلاقی، جلوگیری از انحرافات، چه در جنبه فردی و چه در جنبه اجتماعی، و ایجاد وحدت میان امت مسلمان از مهم‌ترین فواید نماز است. به همین سبب نماز را ستون دین خوانده‌اند؛ یعنی، بدون نماز، دین آثار و برکات خود را نخواهد داشت. در قرآن نیز یکی از ملاک‌های هدایت و شقاوت را نمازگزار بودن شمرده شده است (مدثر: ۴۲-۴۳) و برای نمازگزاران واقعی صفات خاص و ممتاز ذکر شده است (معارج: ۱۹-۲۶).

منابع.....

- امین، نصرت، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان فی تفسیر القرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰، *حکمت عبادات*، چ چهارم، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- دانشور، علیرضا، ۱۳۸۱، *ذکر از دیدگاه قرآن با تکیه بر آثار تربیتی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دلشادتهرانی، مصطفی، ۱۳۷۷، *سیری در تربیت اسلامی*، چ سوم، قم، ذکر.
- راشدی، حسن، ۱۳۸۴، *نمازشناسی*، چ نهم، تهران، ستاد اقامه نماز.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، *مفردات الفاظ قرآن*، چ دوم، تهران، مرتضوی.
- سیدعلوی، سیدابراهیم، ۱۳۷۷، *نماز در قرآن*، تهران، مطهر.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۸۵، *علل الشرائع*، قم، داورى.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۰، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه علی کریمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عروسی حویزی، عبدعلی جمعه، ۱۱۱۲ق، *تفسیر نورالتقلین*، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- فتحی، امین و عزت نوری‌زاده، ۱۳۸۹، «بررسی جایگاه نماز و نیایش در مهندسی فرهنگی»، *مهندسی فرهنگی*، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۱۸-۳۳.
- فخرایی، سیروس، ۱۳۷۵، «جایگاه نماز در فرایند تربیت»، *تربیت*، سال یازدهم، ش ۹، ص ۵۸-۶۰.
- متقی هندی، حسام‌بن‌الدین، ۱۳۸۷، *کنز العمال*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
- مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۲، *نصایح*، ترجمه احمد جنتی، قم، الهادی.
- مصباح محمدتقی، ۱۳۸۸، *عروج تالی نهایت*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی، سیدرضا و خداداد شمس‌الدینی، ۱۳۹۳، «نماز اول وقت از منظر قرآن کریم و پیام‌های تربیتی آن»، *مطالعات قرآنی*، ش ۲۰، ص ۱۶۹-۱۸۸.
- مهری، محمدجواد، ۱۳۸۱، *فضایل و برکات نماز شب در دنیا و آخرت شامل: آیات، روایات، قصص و حکایات*، قم، نبوغ.